

شماره پرسش: ۱۵۴۳۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۱/۱۳ ۰۵:۵۹:۲۰

متن پرسش

باسمه تعالی با سلام و تحیت، جناب استاد بزرگوار بر اساس دو آیه زیر که حاکی از سنت تغییر در نظام و سنن الهیه است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و هم چنین آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» لطفاً اگر راهنمایی بفرمایید: الف. سنت تغییر و سرنوشت انسان ها و اقوام بر اساس فلسفه صدرایی چگونه قابل تبیین است؟ ب. این آیات از دو منظر هستی‌شناسی و هم چنین انسان‌شناسی چگونه تبیین می‌شود؟ ج. برای فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر این سنت، چه منبع یا منابعی را توصیه می‌فرمایید؟ با تشکر از زحمات مستمری که برای جنابعالی داریم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه فلسفه‌ی مشاء و چه فلسفه‌ی صدرایا، با نظر به هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به این نوع آیات می‌نگرند و متوجه هستند نظام عالم از جمله جامعه‌ی انسانی دارای قواعدی است که خداوند در آیات فوق متذکر آن قواعد و سنن شده است که مثلاً اگر جامعه‌ای ایمان و تقوا را رعایت کند، سرنوشتش با جامعه‌ای که چنین نکند، یکی نیست. عرایضی در جزوه‌ی «علل سقوط تمدن‌ها در المیزان» در این مورد شده. موفق باشید